میقاتیت و محوریت هلال هر بلد در فتوای آیت‌الله سیستانی

استاد: این به‌خاطر مبنایشان است. ایشان روی میقاتیت هم تأکید می‌کنند. می‌گویند میقات این است که عرف با چشم هلال را ببیننند. چطور شما در شهرت اگر ابر هم نبود هلال ندا‌شتید، اما هلال در اسپانیا برای تو هم هلال باشد؟! این چه میقاتی شد! لذا می‌گویند قاعده ما این است. لذا عدول فتوایشان از همین‌جا شده است. ایشان گفته‌اند ما در کابل هلال را می‌بینیم، در لندن ولو غربی است اما واقعاً در لندن هلال ندا‌ریم. در اینجا می‌فرمایند خب برای آن‌ها داخل نشده است. حتی اگر غربی باشد. مشهور گفته اند «کل بلد غربی یکفی اذا رئی فی بلد شرقی»، می‌گویند خب گفته باشند. آن‌ها دقت نکرده‌اند. اگر دقت کنیم از مبانی شرعی فاصله گرفته‌اند. یعنی مبتلی‌به نبوده است. مبانی شرعی این است که خود عرف در بلد خودش، در وقت غروب خودش باید هلال قابل رؤیت داشته باشد. او می‌گوید «یغمّ»، امام علیه‌السلام هم می‌گویند خب به شهری مراجعه بکن که هلالی که در شهر شما پشت غیم بود را در بلد خودشان دیده باشند. نه این‌که هلالی را پنج ساعت بعد ببینند که اصلاً شما ندا‌شتید.

چند دلیل دیگر هم می‌آورند. خودتان به کتاب اسئله مراجعه کنید. صحیحه هشام مقداری سنگین‌تر است. در این روایت «یغمّ»، راحت‌تر می‌توانستند اطلاق را از دست استادشان بگیرند. البته با مقدماتی که قبلاً صحبت شد چیزی که به ذهن من می‌آید این است: این اندازه قبول است که امام علیه‌السلام ناظر به «یغمّ» هستند و این باید رافع غیم او باشد، اما شما می‌خواهید سراغ این بروید که اگر در بلد دیگر دیدند، رؤیت بلد دیگر هلال شما را جبران می‌کند؟ یا رؤیت بلد دیگر اهلال هلال را می‌گوید؟ موضوعی که ما در این جزوه به‌دنبال آن بودیم. اگر می‌گویید روایت می‌گوید هلال قابل رؤیت در بلد شما، این مصادره می‌شود. اما اگر بگویید روایت می‌گوید شما که هلال دارید، در بلد دیگر می‌گویند اهلال هلال شده. خب بلد دیگر برای اهلال کافی است. فقط می‌ماند اگر در بلد دیگر اهلال شد، چه می‌شود؟ این روایت از آن ساکت است. نه این‌که می‌گویید حتما باید هلال قابل رؤیت داشته باشیم. تفکیک بین این دو ظریف است. اگر روی روایت این را می‌گذارید بخشی اضافه را روی روایت می‌گذارید که مصادره به مطلوب است.

شاگرد: یعنی عدم اطلاق آن را قبول کردید؟

استاد: عدم اطلاق را به معنایی که ایشان فرمودند بله. اما این‌که اثبات کند اگر غیم نبود شما می‌دیدید، بله و اگر غیم نبود نه، روایت این را نمی‌گوید. این نکته مهمی است. یعنی ما روایت را از چیزهایی که بعداً می‌خواهیم بگوییم ساکت بگیریم؛ بعداً می‌خواهیم بگوییم نفس اهلال هلال آثار دارد. اهلال هلال شروع قطعه زمانی شهر است. شما باید به آن ضابطه بدهید. نه این‌که شما ... . شاهد اول ایشان بسیار مهم است.

شاهد اول ایشان این است: چرا باید سراغ اشتراک در شب بروی‌م؟! این یک چیز بسیار عجیب و غریب است. به جای اینکه سراغ در شب بروی‌م و به این صورت گیر بیافتی‌م به سیره مسلمین بر می‌گردی‌م؛ همانی که اسلام برای عرب امضاء کرده است. اول شروع ماه چه زمانی است؟اول غروب. وقتی هلال دیدی ماه شروع شد. ایشان این را شاهد اول می‌آورند. بعد هم ماه قمری است چون سهل التناول بوده.

البته نکته‌ای را نقل می‌کنند که جالب است. آقای جواد علی بن محمد علی کتابی دارند. ایشان در کاظمیه متولد شده است. عراقی است. ولی زندگی خیلی عجیبی دارد. برای خودش در مقام تحقیق ،فحلی است. چند کتاب دارد. یکی از آنها کتاب المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام است. به نظرم ای‌زده جلد است.

شاگرد: به نظرم بیست جلد است.

استاد: شاید چاپ جدید آن است. بله، در اسئله به جلد ششم آدرس داده بودند. معلوم می‌شود به چاپ قبلی آدرس داده بودند. و حال آنکه جلد شانزدهم است. شاید هم در اسئله، رقم یک افتاده است. ایشان مطالب خوبی دارد. گاهی است که می‌گویند چرا این‌ها را می‌آوری‌د. اما در ادله شواهد عددهای هست دال بر اشره رومی، نیسان، بروجی مانند برج حمل و ... . این‌ها چیزهای شناخته‌شده‌ای است که عرب هم می‌شناختند. اصلاً این‌طور نیست که شما بخواهی‌د لحظه را حساب کنی‌د.

بازبینی #1
ایجاد شده 9 مه 2026 15:33:44 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 مه 2026 15:34:23 توسط ... .